

## هوش معنوی، هوش انسانی

فرامرز سهرابی\*

### چکیده

محققان و صاحب نظران در باره توانایی‌های انسان در طی دهه ی اخیر به این نتیجه رسیدند که علاوه بر دو هوش کلی (IQ) و هوش هیجانی (EQ)، جنبه ی دیگری از هوش هم وجود دارد که کاملاً منحصر به فرد و انسانی می‌باشد. در واقع امروزه گفته می‌شود که IQ و EQ پاسخگوی همه چیز نبوده و واقعاً مؤثر نیستند، بلکه انسان به عامل سومی هم نیازمند است که هوش معنوی یا به اختصار SQ نامیده می‌شود با عنایت به پذیرش هوش‌های چندگانه و وجود رویکردهای مختلف در این زمینه، به نظر می‌رسد مناسبت داشته باشد که هم مرز مشترک و هم منحصر بودن هوش معنوی در مقایسه با سایر انواع هوش و هم توانایی‌های آن به طور اجمالی تبیین شود. هوش معنوی، بواسطه برخی از توانایی‌ها و ویژگی‌های ذاتی مثل توانایی برای ورود به حالت‌های متعالی، توانایی استفاده از فرایندهای فکری استعاره‌ای و ایجاد یک دیدگاه کل‌نگرانه به تجربه‌های زندگی، آشکارا می‌تواند از دیگر هوش‌ها متمایز شود.

**کلید واژه‌ها:** هوش معنوی، حالت‌های متعالی.

## مقدمه

سازه هوش معنوی<sup>۱</sup> یکی از مفاهیم جدید، جذاب و بحث برانگیزی است که در پرتو توجه و علاقه جهانی محققان، صاحب نظران و به ویژه روانشناسان به حوزه دین و معنویت مطرح شده و توسعه پیدا کرده است. این مفهوم در ادبیات آکادمیک روانشناسی برای اولین بار در سال 1996 توسط استیونس مطرح شد. به موازات این جریان، گاردنر<sup>۲</sup> (1999) مفهوم هوش معنوی را در ابعاد مختلف مورد نقد و بررسی قرار داد و پذیرش این مفهوم ترکیبی از معنویت و هوش را به چالش کشید.

ضروری است که پیش از پرداختن به ویژگی‌ها و تفاوت‌های هوش معنوی با سایر انواع هوش، دیدگاه‌های متعدد در باره هوش معنوی در قالب تعاریف و توصیف ارائه شود تا موجب تصریح موضوع شود.

از نظر ولمن (2001) هوش معنوی عبارت است از ظرفیت انسان برای پرسیدن سئوال‌هایی درباره معنای زندگی و به طور هم زمان تجربه پیوند به هم پیوسته بین هر کدام از ما و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم. از نظر امونز (2000) هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی در جهت حل مسئله در زندگی روزانه و فرایند دستیابی به هدف می‌باشد.

هوش معنوی از منظر آمرم (2007)، عبارت است از مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای کاربست و ابراز منابع، ارزش‌ها و ویژگی‌های معنوی در جهت افزایش کنش و بهزیستی زندگی روزانه. همان گونه که ملاحظه می‌شود، هوش معنوی سازه‌ای است که با روانشناسی، زیست‌شناسی، مذهب، معنویت و عرفان<sup>۳</sup> همپوشانی دارد.

## هوش‌های چندگانه

دیدگاهی که هوش چندین توانایی مختلف را در بردارد، به وسیله‌ی پیشرفت‌های اخیر در عصب‌شناسی و روانشناسی شناختی حمایت شده است. نظریه‌های مختلفی در مورد ابعاد و یا انواع هوش وجود دارد.

گاردنر (1983) نظریه‌ی هوش‌های هشت‌گانه را عنوان می‌کند که عبارتند از: هوش زبانی-کلامی<sup>۴</sup>، منطقی-ریاضی<sup>۵</sup>، موسیقایی-موزون<sup>۶</sup>، دیداری-فضایی<sup>۷</sup>، بدنی-جنبشی<sup>۸</sup>، درون فردی (شخصی)<sup>۹</sup> و هوش بین فردی<sup>۱۰</sup> و هوش طبیعت‌گرا<sup>۱۱</sup> (سهرابی و کرمی، 1384 به نقل از پارک). گاردنر (2002) بعدها مقوله‌های هوش طبیعت‌گرا<sup>۱۲</sup>، یعنی هوش معنوی و هوش هستی‌گرا یا هوش وجودی<sup>۱۳</sup> را مطرح کرد که می‌توان از آن به عنوان نمایش یک جنبه از هوش معنوی یاد کرد. اگرچه او هنوز وجود هوش معنوی را تصدیق نکرده ولی بیان داشته است که هوش معنوی یک سازه معقول می‌باشد که تحقیقات بیشتری را می‌طلبد.

استرنبرگ نیز که در حوزه هوش تحقیقات گسترده‌ای انجام داده است، از سه نوع هوش سخن می‌گوید: هوش تحصیلی<sup>۱۴</sup>، هوش خلاق<sup>۱۵</sup> و هوش عملی<sup>۱۶</sup> تقسیم بندی هوش از دیدگاه ترستون به هوش عمومی و هوش اختصاصی نیز در این راستا قابل طرح است. گلمن (1995) هم علاوه بر هوش کلی بر هوش هیجانی تاکید می‌کند که دربرگیرنده مهارت‌های درون فردی و برون فردی است که آگاهی فرد از افکار و احساسات خویش، خودگردانی<sup>۱۷</sup> و توانایی گوش دادن، ارتباط برقرار کردن و همدلی با افرادی که عقاید و دیدگاه‌ها و ارزش‌هایی متفاوت دارند را شامل می‌شود (مایر، 2001).

با عنایت به پذیرش هوش‌های چندگانه و وجود رویکردهای مختلف در این باره، به نظر می‌رسد مناسب داشته باشد که هم مرز مشترک و هم منحصر بودن هوش معنوی در مقایسه با سایر انواع هوش و هم توانایی‌های آن به طور اجمالی تبیین شود.

- 4- Verbl-Linguistic.
- 5- Logical-mathematical.
- 6- Musicl-rhythmic.
- 7- Visul-spatial.
- 8- Bodily-kineshetic.
- 9- Interpersnsl.
- 10- Intrapersonal.
- 11- Naturalistic.
- 12- Naturalistic.
- 13- Existential intelligence.
- 14- Acdemic intelligence.
- 15- Creative intelligence.
- 16- Practical intelligence.
- 17- Self-control.

- 1- Spiritual intelligence
- 2- Howard Gardner.
- 3- Mysticism.

### توانایی‌های هوش معنوی

محققان و صاحب نظران در باره توانایی‌های انسان در طی دهه ی اخیر به این نتیجه رسیدند که علاوه بر دو هوش کلی (IQ) و هوش هیجانی (EQ)، جنبه ی دیگری از هوش هم وجود دارد که کاملاً منحصر به فرد و انسانی می‌باشد. در واقع امروزه گفته می‌شود که IQ و EQ پاسخگوی همه چیز نبوده و واقعاً مؤثر نیستند، بلکه انسان به عامل سومی هم نیازمند است که هوش معنوی یا به اختصار SQ نامیده می‌شود (چرین، 2004).

هوش معنوی دربرگیرنده ویژگی‌هایی مثل صداقت، بخشش و رویکردی روشن بینانه و خالی از تعصب در مواجهه با مشکلات و حوادث زندگی می‌باشد، ابراز آن مستلزم وجود حدی از پختگی هیجانی است (واگن، 2002).

همچنین هوش معنوی به واسطه کنش آن در یکپارچه کردن هوش عقلانی و هوش هیجانی بایستی بعد از این دو هوش گسترش یابد. این کنش یکپارچه کننده هوش معنوی تعامل بین فرآیندهای تفکر منطقی و هیجان را تسهیل می‌کند و این قابلیت را نیز دارد که نتیجه تعامل آنها را به کلی تغییر دهد و بدین واسطه، موجب رشد و دگرگونی شخصی شود (زوه‌ر و مارشال، 2000).

هوش معنوی، بر خلاف هوش کلی (ضریب هوش) که رایانه‌ها هم دارای آن هستند و بر خلاف هوش هیجانی که در پستانداران عالی‌تر نیز وجود دارد، منحصر خاص انسان است و برخی محققان اعتقاد دارند که هوش معنوی اساسی‌ترین و اصلی‌ترین این سه نوع هوش است. می‌توان گفت هوش هیجانی و هوش معنوی که از آنها تحت عنوان هوش‌های برتر نام برده می‌شود، نوعی همپوشانی با یکدیگر دارند و برخلاف تصور عامیانه فقط کسانی در زندگی موفق می‌باشند که دارای IQ بالایی نباشند، بلکه از EQ و SQ بالایی برخوردار باشند و هم زمان IQ در حد متوسط داشته باشند.

در مورد ارتباط هوش هیجانی (EQ) با هوش معنوی (SQ) می‌توان گفت که ما به تعدادی از

مؤلفه‌های EQ برای شروع مفید رشد معنوی خود هم چون احساس خودآگاهی و همدلی احتیاج داریم (ویگل‌سورث، 2004). در حقیقت هنگامی که IQ و EQ و SQ با هم به صورت هماهنگ به کار برده می‌شوند، ما قادر به آشکار کردن نیروی درونی مان به طور فزاینده و فراوان در دنیا هستیم. بنابراین، ملاحظه می‌شود که هوش کلی (IQ) و هوش هیجانی (EQ) هر دو در محدوده ی دانش‌ها و اطلاعات زیستی هستند ولی هوش معنوی (SQ) شامل تفکرات انتزاعی و دور است.

اگر چه ممکن است که هوش معنوی در بعضی از ابعاد با هوش عمومی متفاوت باشد، اما هوش معنوی از معیارهای لازم برای یک هوش ویژه برخوردار است. برای مثال، هوش معنوی این شرط گاردنر (2000) را که هوش باید در طول گستره عمر تغییر کند، اجابت می‌کند. منطقی است که هوش معنوی در گستره زمان با توجه به افزایش تجربه‌های زندگی، مواجهه پیوسته با اطلاعات معنوی و افزایش علاقه به پرسیدن سؤال‌هایی درباره معنای نهایی زندگی، افزایش یابد (دیسلاری یرز، 2000؛ به نقل از ناسل، 2004).

همچنین هوش معنوی می‌تواند به شکلی مستقیم‌تر به پیگیری هوشیارانه و ارادی رشد روانشناختی خود فرد کمک کند. این موضوع مستلزم پذیرش مسئولیت خویشتن، درس گرفتن از اشتباهات فردی، توانایی برای بخشیدن و بخشیده شدن، تعهد به تصمیماتی که بهزیستی همه افراد دخیل را در نظر می‌گیرد، می‌باشد (واگن، 2002).

در مورد این که اعتقاد به خداوند یا یک نوع قدرت برتر از ویژگی‌های هوش معنوی می‌باشد یا نه بین صاحب‌نظران توافق وجود ندارد. هنگامی که نوبل (2001) بر اهمیت قادر بودن دیدن همه حوادث و تجربه‌ها در پرتو یک بافت تمام شمول و بزرگتر تاکید کرده است، شاید این تصویر بزرگتر در برگیرنده یک روح کیهانی یا یک وجود الهی باشد و شاید هم این گونه نباشد. با اینحال، برخی از نظام‌های اعتقادی مذهبی یا معنوی، بر یک باور بنیادین به یک قدرت یا الهه برتر تاکید دارند و بنابراین شاید از یک نوع هوش معنوی که

- 8- Gardner, H. (2000). A case against spiritual intelligence. *International Journal for the Psychology of Religion*, 10(1), 27-34.
- 9- Gardner, H. (2002). *New horizons for learning*. USA: Settle.
- 10- Goleman, H. (1995). *Emotional intelligence*. New York: Bantam Books. Published
- 11- Mayer, J. D. (2000). Spiritual intelligence or spiritual consciousness? *The International Journal for the Psychology of Religion*, 10(1), 47-56.
- 12- Nasel, D. D. (2004). *Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality*. Thesis submitted for the degree of Ph. D in The University of South Australia, Division of Education, Arts and Social Sciences, School of Psychology.
- 13- Noble, K. D. (2001). *Riding the windhorse: Spiritual intelligence and the growth of the self*. New Jersey: Hampton Press.
- Sisk, D. A., & Torrance, E. P. (2001). *Spiritual intelligence: Developing higher consciousness*. Buffalo, New York: Creative Education Foundation Press.
- 14- Wigglesworth, Cindy. (2004). *Spiritual intelligence and why It Matters*. The Inner words Messenger, A Newsletter to Spark the. [www.consciouspursuits.com](http://www.consciouspursuits.com) Retrieved from internet:
- 15- Wolman, R. N. (2001). *Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why it matters*. New York: Harmony Books.
- 16- Vaughan, F. (2002). What is spiritual intelligence? *Journal of Humanistic Psychology*, 42(2), 16-33. Zohar, D. &
- 17- Marshall, I. (2000). *SQ: Spiritual intelligence, the ultimate intelligence*. London: Bloomsbury.

بر پایه آگاهی از یک وجود الهی در زندگی فرد است حمایت می‌کنند. مثلاً ادیان الهی، و بعضی از اشکال معنویت که بر اساس خرد کهن یا معنویت و عرفان شرقی استوار است، وجود یک خالق یا یک نیروی کیهانی که همه زندگی و تجربه‌های آن را فراگرفته است، تصدیق می‌کنند (سیسک و تورنس، 2001).

در مورد تمایز هوش معنوی از انواع دیگر هوش به‌ویژه هوش اجتماعی، اِ دواردز (2003)، معتقد است که به واسطه برخی از توانایی‌ها و ویژگی‌های ذاتی هوش معنوی، مثل توانایی برای ورود به حالت‌های متعالی، توانایی استفاده از فرایندهای فکری استعاره‌ای و ایجاد یک دیدگاه کل‌نگرانه به تجربه‌های زندگی، آشکارا می‌تواند از دیگر هوش‌ها متمایز شود.

تدوین مبانی نظری هوش معنوی، خاستگاه مذهبی و ارتباط هوش معنوی با مذهب و ملاک‌های ارزیابی سطح هوش معنوی افراد، از جمله موضوعاتی است که نیازمند مطالعه و پژوهش گسترده‌ای است.

#### منابع

- 1- پارک، ان. بورلی. شناسایی و پرورش استعدادهای درخشان. ترجمه ی فرامرز سهرابی و ابوالفضل کرمی، تهران انتشارات روان سنجی، 1384.
- 2- هاشمی، ویدا، بهرامی، هادی، کریمی یوسف. (1385). بررسی رابطه هوش هشت‌گانه گاردنر با انتخاب رشته و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. *مجله روانشناسی شماره 39*، سال دهم، شماره 3 ص: 274-288.
- 3- Amram, Y. (2007). *The Seven Dimensions of Spiritual Intelligence: An Ecumenical Grounded Theory*. Paper presented at the 115th Annual (August 2007) Conference of the American Psychological Association, San Francisco, CA.
- 4- Cherian, P. (2004). *Now It's SQ*. Retrieved from internet: [www.lifeandworkmeaningandpurpose.com](http://www.lifeandworkmeaningandpurpose.com).
- 5- Edwards, A. C. (2003). Response to the spiritual intelligence debate: Are some conceptual distinctions needed here? *The International Journal for the Psychology of Religion*, 13(1), 49-52.
- 6- Emmons, R. A. (2000b). Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 10(1), 3-26.
- 7- Gardner, H. (1999). *Intelligence reframed: Multiple intelligences for the new millennium*. New York: Basic Books.